

خدمتکارانی به نام کارگران فصلی در اشنویه

کارگردر شهر اشنویه

دوشنبه بیست نهم مهر ۱۳۸۷

صاحبان سرمایه از هر ترفندی برای استثمار بیشتر کارگران استفاده می کنند و هزینه هائی که در مقابل می پردازند بسیار ناچیز است، به گونه ای که حتی برای زنده ماندن آنان کفایت نکرده و این روایت سرمایه داری را هم نقض می کند چرا که سرمایه دار باید آنقدر به کارگر مزد دهد که زنده بماند. صاحبان سرمایه از هر شیوه ممکن در راستای تامین سود هر چه بیشتر، به وقیحانه ترین وجه ممکن کارگران را استثمار میکنند. در نظام سرمایه داری نیروی کار کارگر، کالای قابل معامله ای است که کارگران را بسیار ارزانه تر از ارزش واقعی خود بفروش میرساند و بنا بر این ارزش افزوده سرمایه دار بیش از پیش خواهد شد و کارگران هم هرچه بیشتر در غل و زنجیر می مانند.

از مجموعه کارگرانی که نیروی کار خود را می فروشند گروهی به نام کارگران فصلی وجود دارند که به تناسب آب و هوا و موقعیت جغرافیایی تشکیل میشوند، غیر از کارگران ساختمانی که تقریباً در همه جای ایران وجود دارند کارگران دیگری نیز هستند که استثمار را با همه وجودشان احساس می کنند. اینان کارگرانی هستند که در مزارع و باغات مشغول به کاری باشند.

اشنویه یکی از آن شهرهائی است که کشاورزی و باغهای فراوانی دارد و کارگران فصلی زیادی در آنجا مشغول به کار هستند. این دسته از کارگران که بیشتر شان زنان و نوجوانان و بعضاً مرد هستند از همان اوایل بهار برای وجین علفهای هرز به مزارع چغندر می روند، که ساعت کار این کارگران از ساعت ۵ صبح شروع و تا شامگاه ادامه می یابد. از ساعت کار هیچ خبری نیست زنان بیچاره اگر کودک زیر ۶ سال داشته باشند باید همراه خود به مزارع ببرند و اگر بالای ۶ سال باشند آنان را به بستگان یا همسایگان می سپارند که به مدرسه بفرستند. حال بماند که این بچه ها چقدر می توانند به درس و مشقشان برسند و وقتی که از مدرسه به خانه بر می گردند با فضایی بی روح و خالی از عاطفه روبرو می شوند، چون پدر و مادرشان از فرط خستگی نای حرف زدن ندارند.

بعد از چندین بار وجین علفهای هرز نوبت برداشت محصول - نخود - فرا می رسد که آن هم با دستهای پینه بسته ی همین کارگران انجام میشود. این باروضع فرق میکند چون مدرسه تعطیل شده است و بچه ها به جای استراحت و تفریح، بعد از یکسال تحصیلی باید همراه خانواده شان به سرکار بروند، تا شاید با فروش نیروی کاراندکشان کمکی به اقتصاد نا بسامان خانواده شان کرده باشند.

در اوایل مهر ماه که کار در باغهای سیب شروع می شود این دسته از کارگران باید به چین سیب در باغها مشغول شوند که در اینجا علاوه بر کار دستی باید با دقت هر چه بیشتر سیب ها را بچینند تا به زمین نیفتند و خراب نشوند و صدای کارفرما در نیاید. این کارگران هنوز پاسی از شب مانده بر سرکارها یشان میروند و وقتی که برمی گردند شب است. در طول روز آب خوردن و حتی رفتن به دستشویی هم باید با اجازه کارفرما باشد و خودشان عملاً اختیاری ندارند.

این کارگران بیشتر وقتها دستمزد هایشان عقب می افتد چرا که صاحبکار با حقه های گوناگون از دادن دست مزد به موقع طفره می روند و اغلب به خاطر وجود نیروی ذخیره ی کارگران بیکار که این هم از سیاه کاریهای نظام سرمایه داری است، این کارگران هیچ نوع بیمه ای ندارند و در هنگام وقوع حادثه، کارفرماهیچ مسئولیتی نداشته و کارگر علاوه بر اینکه کارش را از دست می دهد هرآنچه اندوخته است خرج دوا و درمان خود می کند.

این ضایعه ایست بس بزرگ، باهمه ی تفا سیر بالااین خانواده های کارگری هرگز نمیتوانند اندوخته ای برای زمستان داشته باشند و به دلیل تورم بیش از اندازه هرچه دستمزد می گیرند باید خرج زندگی روزانه شان کنند. آری درمقابل، صاحبان سرمایه با پرداخت مبلغی به عنوان دستمزد هرروز بیشتر از گذشته کارگران را استثمار میکنند.

کارگران؛ صفوف خود را علیه سرمایه داری درتشکل های طبقاتی مان فشرده تر کنیم!

گزارش ارسالی از یک کارگردر شهر اشنویه

۲۸ مهر ۸۷

کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری